

باقی است . f. 83^b (A ایمیل ، B ایمیل ، D ایمیل ، C ایمیل ظ) ، - خان سلطان دختر محمد خوارزمشاه بغداد صباغی درآمد در ایمیل f. 93^b - ممکن است مابین f. 132^b که ورق اول جلد سوم جهانگشا است و 141^b آتی مواضعی افتاده باشد چه بعد از پنج سال دوباره شروع باینجای جهانگشا نمودم . - جماعتی از مخالفان منکوقا - آن «در حدود ایمیل و قیالیغ» بودند و منکوقا آن قشونی در آن حدود فرستاد برای گرفتاری آنها . f. 141^b .

|| ایمیل A (B اصل ، D ، اینل ، E ایتل ، D ایمیل) .

«و باتودرمخیم خویش کسی در حدود اصل داشت مقام فرمود و شهری بنانهاد که آنرا سرای میخوانند» f. 60^b = 137 . درینجا یقین است که مقصود ازین کلمه ایمیل که موضعی است نزدیک قیالیغ در تر کستان شرقی و همیشه در ردیف قیالیغ ذکر میشود نیست بلکه بطور قطع و یقین مقصود نهر ولگاست و قریب بیقین است که ضبط این کلمه ایتیل است با تاء ، نه بامیم .

۱- بدلیل آنکه شهر سرای را که باتوبنا نمود در کنار ولگاست (رجوع بنقشه تئودرمنکه آلمانی) .

۲- بدلیل نسخ E, D, B که هیات اصل دارند بجای اصل و E صریح تر است چه نقطه تاء را نیز دارد منتهی نقطه یاء دوم را ندارد و نقطه حروف چندان اهمیتی ندارد وجوداً و عدماً .

۳- بدلیل آنکه صریحاً در نقشه های متعدده از جمله نقشه آلمانی تئودرمنکه (و نقشه تاریخ دسن ظاهراً) اسم ولگا را ایتیل نوشته اند و بعد ازین معانی دیگر جای شبهه نمیماند که در اینجا باید ایتیل باشد و *الموفق . - C, A ایمیل ، D ایتیل E ایدیل ، ظ ایتیل ، ص 304 = f. 134^a مکرر .

الایناس قبل الابسامی :

رجوع کنید بدفترنمره ۱ ص ۱۱ ، دفترنمره ۲ ص آخر ، دفترنمره ۴ ص ۵ ، و مجمع الامثال در باب الف .

این است و جز این نیست :

«مصطفیٰ علیہ السلام» [در جواب رسل باذان حاکم یمن از جانب ایرانیان] گفت اینست و جز این نیست (تاریخ بیہقی ۸۱^ا)، حالا باید رجوع کرد کہ این عبارت ترجمہ چہ عبارت عربی بودہ است .

اینال جوق (یا اینال جوق) :

از اقارب مادر سلطان محمد خوارزمشاه ترکان خاتون کہ حاکم شہراترا بود و جماعت تجاری کہ از جانب چنگیز خان با ترا آمدند بکشت و اموال ایشان را تصرف نمود و سبب ظاہری خروج چنگیز خان یعنی بہانہ او ہمین فقرہ بودہ است و لقب اینال جوق غایر خان (?) بودہ است . ص 38 .

اینانج :

سہ اینانج بودہ اند کہ نباید آنها را بیکدیگر اشتباہ نمود: یکی اینانج والی ری کہ در سنہ ۵۶۴ بدست یا بتحریک ایلدگز کشتہ شد و عماد کاتب از این اینانج ہمیشہ بہ «اینانج» بدون نون تعبیر میکند .

و دیگر دختر او اینانج خاتون (کہ زبدۃ التواریخ این دختر را ہم ہمہ جا یا غالباً اینانج خالی مینامد بدون قید خاتون) کہ زن اتابک جهان پهلوان و مادر دو پسر اوقتلغ اینانج محمود و امیران عمر بودہ است (زبدۃ التواریخ ۱۷۲ ۱۸۲ و ہاشم راحة الصدور ۳۳۶) .

و دیگری ہمین قتلغ اینانج محمود نوادہ دختری اینانج والی ری مذکور و پسر اتابک محمد جهان پهلوان بن ایلدگز کہ مادرش اینانج خاتون مذکور بلافاصلہ قبل بودہ است کہ زبدۃ التواریخ غالباً او را اینانج محمود مینامد ولی سایر کتب تواریخ اغلب او را بلفظ «قتلغ اینانج» بدون علاوہ «محمود» بیخوانند و مینویسند، و ہمین قتلغ اینانج است کہ قاتل طغرل اخیر آخرین سلجوقیہ بودہ است یعنی قاتل بنخدوم و ولی النعم خود و آباء و اجداد خود ، - این قتلغ اینانج در اوایل ۵۹۲ بدست خوارزمیان بتحریک دختر سلطان طغرل اخیر سلجوقی کہ زن یونس خان بن تکش خوارزمشاه بود و با

خوارزمیان مواضعه نهاده بود که قصاص خون پدر از او باز خواهند گشته شد و مانند کوسفند او را سر بریدند و جسد او را فخرالدین سرور خریده بهمدان فرستاد و آنجا در ماه جمادی الاخره ۵۹۲ هـ او را دفن کردند. (راحة الصدور ۳۸۰-۳۰۱)

اینانج خاتون:

بنت اینانج والی ری و زن اتابک جهان پهلوان محمد بن ایلدگز (۱) که پس از فوت او در حباله نکاح برادرش قزل ارسلان و سپس پس از گشته شدن او در حباله نکاح طغرل آخرین سلجوقیان درآمد و بحکم این اخیر گشته شد و چنانکه معلوم است نام این زن را در تاریخ گزیده و ابن اسفندیار و حبیب السیر چیزی مانند قتیبه خاتون نوشته اند. و من تا کنون نتوانسته بودم صحیح آنرا حدس بزنم چه واضح است که قتیبه اسم عربی است و از اساسی رجال است و بیک دختری از امراء ترک این اسم ممکن نیست داده شود. در لب التواریخ صریحاً و واضحاً و مکرراً قتیبه خاتون نوشته است که قطعاً همین صحیح است و مخفف قتلوبه، قتلوابه، قتلغابه است بدون هیچ شک و شبهه فالحمد لله علی ما وفقنا لكشف هذه المعضلة، - مادر دو پسر دیگر اتابک جهان پهلوان یعنی اتابک ابوبکر و اتابک اوزبک هر کدام ام ولدی علیحده بود (تاریخ سید صدرالدین مذکور یعنی زبدة التواریخ ورق 97b).

|| رجوع بفهرست راحة الصدور و حواله که ما آنجا داده ایم .

اینانج والی ری:

قتل اینانج والی ری که بیش از هزار دفعه ذکرش در تواریخ سلجوقیه از ابن الاثیر و راحة الصدور و زبدة التواریخ و غیره و غیره در هر صفحه <ای> میآید بدست یا بتحریر یک اتابک شمس الدین ایلدگز در سنه ۵۶۴ رقلعه طبرک ری (ابن الاثیر ۱۱: ۱۵۶) و این شخص پدر اینانج خاتون زن سه شوهر خواره معروف است که ابتدا زن جهان

۱- و مادر دو پسر او: قتلغ اینانج و میرمیران [و کذا ایضاً فی تاریخ ابن اسفندیار

امیرامیران، در راحة الصدور نام این پسر را عجاله نیافتم، امیرامیران عمر (زبدة التواریخ

106 a)] کما فی حبیب السیر ص ۱۲۶ از جزء ۴ از جلد ۲ و لب التواریخ ۳۸. رجوع نیز

به وزیقه سلاطین سلجوقیه .

پهلوان شد در حدود سنه ۵۵۶ (ثرا ۱۱۱: ۱۲۰) و از او دو اولاد آورد: قتلغ اینانج [محمود] قاتل طغرل اخیر سلجوقی و امیر امیران عمر، و سپس پس از وفات جهان پهلوان زن برادر او یعنی برادر جهان پهلوان قزل ارسلان شد و پس از کشته شدن او زن طغرل اخیر سلجوقی شد ولی این طغرل قبل از اینکه این زن بر او شام بخورد او بر او چاشت خورد و او را خبه کرد. (هامش راحة الصدور ۳۱۶)

اینجو :

بزبان مغولی بمعنی املاک خاصه سلاطین مغول است ، و چون امیر محمود شاه (پدر شاه شیخ ابواسحق اینجو) مقتول در سنه ۷۳۶ در شیراز متصدی املاک خاصه سلاطین مغول بود بدین نحو شهرت یافت او و اولاد وی (هفت اقلیم^۱، f. 51، Or. 203)

|| «مواضع ولای اینجو» (وصاف ۳۶۴) ، باز «ولای اینجو» یا «دلای و اینجو» (ص ۳۴۰) ، ایضاً ص ۲۶۸ .

Initiale

یعنی حرف اول اسم، ت حرف اول «تنوخی» را که مباشر دارالضرب بوده است روی دراهم نقش میکرده اند (ادبایه: ۳۰۸).

ایوان کسری :

«روز دوشنبه ۲۷ جمادی الآخره [سنه ۷۰۹] وصول رایات همایون [اولجاپتو] بحدود بغداد و نزول بشهر مداین و بتفرج و تماشا ، ایوان کسری [رفتن] و تفکر نمودن و اعتبار حال و انزجار از آمال گرفتن ، هولاکوخان بخاغ (?) دولت خود بتفرج ایوان کسری مبادرت نمود سه بار طاق را زانوزد و بخواجه نصیرالدین طوسی رحمه الله میگوید بسیار نظرهای بزرگان و مردان خدای برین طاق بی جفت آمده باشد بمدت هزار سال زانوبرای آن نظرها میزنم.» (عبدالله کاشانی b51a - f. 50، S.P. 1419)

ایوانی :

از سرداران معروف گرج در جنگ با سلطان جلال الدین منکبرنی که در f. 101 از جهانگشای Sup. Pers. 209 مذکور است بعینه بهمین لفظ Ivanê در تاریخ ارمنستان تألیف گیراگس Guiragos از اهل گنجه که از معاصرین مغول بوده و کتابی

در تاریخ ارمنستان نوشته که از سلطنت تیریدات ثانی در قرن چهارم مسیحی را شامل است تا سال ۷۱۸ ارمنی مطابق با سال ۱۲۱۰ - ۱۲۶۹ مسیحی و مسیواد . دولوریه M. Ed. Dulaurier آنرا تلخیص و بفرانسه ترجمه کرده است و نام ایوانی مذکور بسیار درین ترجمه مذکور است از جمله در باب جنگ با سلطان جلال الدین در ص ۲۰۴ و در جنگ با مغول پر یاست سو بدای بهادر Sabada - Bahadour در ص ۹۹ (علامت مخصوص 1482 ، 12 - 11 ، 1838 ، Journal Asiatique) .

|| (جمع النسخ) ، از رؤساء گرج که بدست سلطان جلال الدین منکبرنی اسیر گشت ص 228 = f. 10i a ، م - ص 229 b 101 م ، - ایضاً ص 234 = f. 104 a (نمیدانم این همان ایوانی است یا کس دیگر زیرا که هر دو از رؤساء گرج اند و ایوانی اول را در f. 101 میگوید که بدست عسا کر سلطان جلال الدین اسیر شد و دیگر استخلاصش را نگفته است، پس احتمال میرود که این غیر او باشد.)

ایوانیه ، [تر گمان -] :

ابن الاثیر: در حوادث سنوات ۵۵۳، ۵۶۸، ۶۱۰، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۸ (= ج ۱ ص ۱۰۷)

* ———

[ترجم الایوانی] - ۱۷۷ [ترجم الایرانی] ، ج ۱۲ ص ۱۳۹ [التر گمان الایوانیه] ، ۲۱۳ [التر گمان الایوانیه] ، ۲۱۶ [اوقع بالایوانیه] ، ۲۳۳ [التر گمان الایوانیه] .
 راحة الصدور: ۳۴۶ (لشکرایوه) ، ۳۷۷ (ملک الایوه) ، ۳۸۲ (لشکرایوه) ، ۳۹۲ (پسر ایوه) .

زبدة التواریخ سید صدرالدین : ص ۱۷۷ (ترجم الایوانی) ، اصل نسخه :
 ترجم الایوانی) .

الحوادث الجامعة: ۱۹۹-۲۰۰ (سلیمان شاه بن برجم الایوانی) .

طبقات ناصری: ۴۲۳ (سلیمان شاه ایوانی تر گمان) : ۴۲۴ (كذلك) .

ابن ابی الحدید ۲: ۳۷۰ (الطایفة المعروفة بالایواء) .

سیره جلال الدین منکبرنی للنسوی ۱۲۶ (الاتراك الایوانیه) ، ۱۸۷ (شهاب

الدين سليمان شاه ملك الابويه) ، ۲۱۰ (ملك الايوه شهاب الدين سليمان شاه) ، ۲۱۱ (ملكي الايوه والجبال) .

تاريخ كزیده: ۵۵۲ (شهاب الدين [سليمان شاه] ايوه) .

نزهة القلوب: ۱۰۷ (سليمان شاه ايوه) .

رجوع شود نيز بوريقات «سليمان شاه» .

|| ابن الاثير ۱۲: ۲۱۳ ؛ نسوي ۱۲۶، ۱۸۷ (الايويه) ، ۲۱۰ (ملك الايوه) ، ۲۱۱ (ملكي الايوه والجبال) .

ايوب [آل -] :

تراجم آنها در اين خلكان :

الملك المعظم عيسى ۱: ۴۳۲ ، - الملك الظاهر غازي ۱: ۴۳۸ ، - الملك العادل

محمد ۲: ۱۵۸ ، - الملك الكامل محمد ۲: ۱۶۰ ، [شرح حال مختصر بسياري از اين

خانواده را در ترجمه حال ملك كامل دارد] ، - الملك الاشرف موسى ۲: ۲۸۴ ، -

الملك الناصر صلاح الدين معروف ، يوسف ۲: ۵۵۴ .

ايهام :

که معنی را تا درجه خنک و بی ربط میکند :

ببرد زود بسر داری خود پادشاهش

یار دلدار من ار قلب بدینسان شکند

☆☆☆

من بدین مفلسی خریدارت

مشتري را بهای روی تونیست

(سعدی ۲۵۵)

|| (خنک کننده معنی):

بیچاره فروماندم پیش لب ضحاکت

گفتم که نیاویزم بامار سر زلفت

(سعدی ۲۵۰)

توضیحات و اضافات

و

توضیحات

پس از طبع جلد اول یادداشتهای قزوینی آقای مجتبی مینوی ، استاد گرامی دانشگاه طهران، سراسر کتاب را با دقت و علاقه خاص خواندند و بعضی نکته های مفید اصلاحی یا اضافی که درباره آن جلد بنظر ایشان رسیده بود لطف کردند و در پایان جلد دوم یادداشتهای قزوینی بچاپ رسید. اینک که چاپ دوم جلد اول با تمام میرسد واجب آمد که آن نکته ها بآنتهای این جلد الحاق شود تا خوانندگان از چگونگی آن توضیحات و اضافات سودمند اطلاع حاصل کنند .

- ص ۳ س ۵ : ظاهراً ابن حوقل کتاب اصطخری را از نو تحریر کرده است .
- ص ۹ س ۲۰ : یعنی دختر عموی خود را گرفته بوده است .
- ص ۱۱ س ۲۰ : ۶۲۳ غلط و ۶۸۳ درست است .
- ص ۱۵ س آخر : جمله بر اثر سهو القلم مرحوم قزوینی افتادگی دارد و باید اینطور باشد : «چه اگر ولادت کرد و چین را در...»
- ص ۱۸ س ۹ : در یادداشت مرحوم قزوینی «اوس» آمده است و شاید «اولوس» درست باشد .
- ص ۲۰ س ۲۴ : عبارت مرحوم قزوینی ناقص است و با افزودن «متحد باشد» پس از «ساقط شده است» جمله کامل میشود .
- ص ۲۳ س ۷ : بحث در باب اعراب عشرون و ثلثون هم در شرح رضی بر کافیة ، ورق ۹، آمده است و موضوع اینست که این کلمات جمع عشرو ثلاث

- نیستند و حکم آنها غیر از حکم جمع مذکر سالم است .
- ص ۲۳ س ۷ : ماطران ، ظاهراً ماطرون است . بحثی در باب اعراب این کلمه در معجم البلدان ج ۴ ص ۳۹۵ آمده است .
- ص ۲۷ س ۱۴ : نام کتاب فرهاد میرزا هدایة السبیل است نه کفاية السبیل .
- ص ۳۵ س ۷ : سمط العلی چاپ اقبال و قزوینی ص ۶۸ .
- ص ۳۵ س ۸ : اعیانی ، در اصل یادداشت مرحوم قزوینی همین طور است و شاید « اخیافی » باشد .
- ص ۳۶ س ۹ : « لوتئه » غلط است و صحیح آن باید لوتئه باشد که در معجم الشعراى مرزبانى ص ۴۳۲ در احوال همین اخیطل آمد است .
- ص ۳۹ س ۱۳ : عین عبارت « مضمنه (؟) » است که چاپ شده با همان علامت استفهام و شاید « تصنیفه » باشد .
- ص ۴۹ س ۳ : در اصل « تونیان » است که چاپ شده ، ولی شاید نویینان باشد .
- ص ۵۴ س ۳ تا ۶ : هیچ دلیل نمیشود ، بخصوص وقتی که گوینده مولوی باشد ، اما اتفاقاً سعدی هم عین این قافیه را دارد (و باز هم دلیل نمیشود) :
- کسان را درم داد و تشریف و اسب طبیعی است اخلاق نیکونه کسب
- ص ۵۵ س ۱۶ : کلمه ای که خوانده نشده « المرشد » است .
- ص ۵۸ س ۱۴ : نظیر رستم صولت و افندی پیزی .
- ص ۵۹ س ۱۷ : در خط قزوینی « برفزود » است و شاید « برفرود » باشد .
- ص ۶۰ س ۷ : در حدیقه منائی چاپ بمبئی ص ۴۲ « ناخن برای » است و « ناخن پیرای » در تفسیر قدیم کیمبریج (براون ص ۴۸۹ در JRAS) .
- ص ۷۱ س ۱۷ : باقی مطالب مربوط به اشتقاقات عامیانه در صفحه ۱۵۰ همین جلد اول چاپ شده است .
- ص ۷۱ س ۱۸ : در تکملة اصلاح ما تغلط فیہ العامه از جوالیقی بحثی در این باب هست که صحیح آن استیام بسین است و اشتیام تلفظ عوام است (ص ۵۸) .
- ص ۷۳ س ۱۶ : عجب است ، خود من جلد فهارس آن را برای مرحوم قزوینی خریدم

و فرستادم و حالا هم همان جلد در جزء کتب مرحوم قزوینی در دانشکده ادبیات هست، و بهر حال در فهرست مزبور نامی از اشعری شاعر نیست .

- ص ۷۵ س ۳ : « بیرون از » هم هست : برون از رملی در حیاتش نیاقت (سعدی) .
- ص ۷۶ س ۱۸ : خلاف آن : اعشی قیس ، مجنون قیس .
- ص ۷۷ س ۲۲ : اورانسان : اوزانیان در رساله نصیرالدین طوسی .
- ص ۸۴ س ۲۴ : بجای « مشتری » باید « بایع » باشد و سهواً از خود مرحوم قزوینی است .
- ص ۸۵ س ۲ : دو کلمه ای که در این سطر خوانده نشده است « دانستن او » است .
- ص ۸۵ س ۸ : متحرك : هکذا فی الاصل و شاید بتحرك ؟ .
- ص ۸۶ س ۱۷ : مسلماً در قدیم بکاف فارسی بوده است مثل آگندن و پراگندن، ولی تلفظ امروزی فارسی در همه موارد (بغیر از فغانه) بکاف عربی است .
- ص ۸۸ س ۷ : عبارت « به تصحیح کرده اند » چنین خوانده شود : « به افضلکم علی تصحیح کرده اند » .
- ص ۸۹ س ۵ : سعدی هم دارد ، نوروزنامه دیده شود .
- ص ۹۴ س ۵ : « ملکانکین [؟] و سپس امیر پری [؟] » شاید « بلکاتکین و سپس امیر پری در غزنین سلطنت کردند » درست باشد .
- ص ۹۴ س ۱۶ : درباره الشمس ، ص ۱۵۵ ، ایلتتمش ، نیز دیده شود .
- ص ۱۰۶ س ۱۴ : برای تتمه قرای الموت بص ۱۱۹ و ۱۲۰ ذیل اندرود رجوع شود .
- ص ۱۱۶ س ۲۳ : در اوایل جلد چهارم یتیمه الدهر هست .
- ص ۱۲۰ س ۴ : نه در حدائق السحراست و نه در المعجم ، در ترجمان البلاغه است .
- ص ۲۲۳ س ۷ : امالی صدوق مجلس چهلیم ، معانی الاخبار باب ۵۶ ص ۶۸ .
- ص ۱۲۳ س ۱۶ : ولی در دیوان ابوالعتاهیه نیست و در الموشح هم فقط دو بیت آن هست .
- ظن مرحوم قزوینی این بوده است که حتماً باید ابیات منظمی از این الفاظ بیرون آید ، در صورتی که لازم نیست و کافیست که وزن ضربه ناقوس از آن درست آید . شاید بعدها از آن ابیاتی ساخته و بابی العتاهیه نسبت داده باشند .

- ص ۱۲۶ س ۲۰ : حکایت در ربیع الا برار ز مخشری (ظاهر آ) منسوب بعهد منصور دوانیقی منقول است .
- ص ۱۲۷ س ۳ : چون سال ۵۳۳ یزدگردی مساوی است با ۵۰۶ هجری پس انوری تا این سال بی شک زنده بوده است .
- ص ۱۲۸ س ۱۷ : این نسخه حالا در تصرف مسترچستریتی است .
- ص ۱۳۱ س ۴ : برداشت کلک و کاغذ و فر فر و نوشت .
- ص ۱۳۱ س ۹ : «ورنه هر گوشه صد چو عنصری ایست» صحیح است و در بیت قبل لفظ «کذا» زاید است .
- ص ۱۳۴ س ۱۴ : کلمه ای که خوانده نشده است «فعالیت» است .
- ص ۱۳۷ س ۱۴ : کلمه ای که جایش خالی است «هاراسوویتز» است .
- ص ۱۳۷ س ۱۹ : ؟ اوزانیان - که در رساله نصیرالدین طوسی آمده است، همانست که در ص ۷۷ و ۱۴۰ هم آمده است (؟) .
- ص ۱۴۰ س ۹ : مینرسکی در حواشی رساله نصیرالدین شود .
- ص ۱۴۲ س ۴ : خود جناب آقای تقی زاده در باب این لفظ مقاله ای بانگلیسی در BSOS سال نهم ص ۶۰۳ و مابعد نوشته اند .
- ص ۱۴۵ س ۸ : کلیه ترجمه فاکولته یا کلژیا کالج است که جزئی از او نیورسیتیه باشد . دارالفنون در عهد امیر کبیر گرفته شد از ترکها و ترجمه تا ۱۰ : **Polithécnique** بوده است .
- ص ۱۴۶ س ۱۹ : المعجم در صنعت المام رجوع شود (چاپ مدرس رضوی ص ۳۴۵) - شش صیغه این فعل : داشتی داشتی داشتی داشتی داشتی داشتی، یاه آخر همان یاه استمراری است و اگر در دوم شخص مفرد داشتی بخوانیم باید معتقد شویم که ماضی مطلق گاهی یک تاء زائد در آخر میگیرد !
- ص ۱۴۷ س ۸ و کلمات کردتی و داشتی و امثال آن غلط صریح واضح است و منشأ این غلط جز اشتباه و بی اطلاعی مرحوم پرفسور رینولد نیکلس نبوده

است. مرحوم قزوینی هم در حواشی المعجم متابعت از مرحوم نیکلسن کرده بوده‌اند. آن نیز اشتباه بوده است. آقای مدرس رضوی هم همان اشتباه را در چاپ جدید المعجم تکرار کرده‌اند و باید در چاپ بعدی حذف شود.

- ص ۱۴۹ س ۱۹ : لعبدالله - بعد ازین هم همین طور لعبدالله نام برده - شاید اسم ابوالقاسم کاشانی عبدالله بوده است (ص ۱۶۶ دیده شود).
- ص ۱۵۰ س ۱۲ : مربوط است به اشتقاقات عامیانه که در صفحه ۷۱ آمده است.
- ص ۱۵۱ س ۱۳ : سترزن.
- ص ۱۵۱ س ۱۴ : چاکرزن.
- ص ۱۵۱ س ۱۵ : خودسک زن.
- ص ۱۵۳ س ۶ : کلمه‌ای که جای آن خالی مانده است «یثیض» است و نقص در خط مرحوم قزوینی است.
- ص ۱۵۴ س ۱۱ : کلمه‌ای که خوانده نشده «پوربهای» است.
- ص ۱۵۵ س ۲۴ : التتمش نیز دیده شود در ص ۹۴.
- ص ۱۵۹ س ۲۵ : مقصود صفحه ۲۰۲ از کتاب زامباور است که اسارت عبدالملک بن نوح را بدست ایلک خان در روز دهم ذی القعدة ۳۸۹ گفته است.

فهرست ها

مطالب جلد اول «یادداشت‌های قزوینی» که اینک نشر میشود بترتیب حروف الفبائی مرتب است و بنحوی است که مراجعه کننده می‌تواند از مباحثی که در کتاب مورد بحث است باسانی اطلاع حاصل کند. اما در ضمن بعضی از مطالب کتاب مطالب دیگری هم بطور پراکنده و طرداللباب مورد بحث قرار گرفته است. باین سبب و برای اینکه مراجعه باین مطالب، بنحو دقیق تر و آسان تر میسر باشد چند فهرست مختلف بر حسب موضوع برای این جلد تهیه گردید، و در تهیه فهرست‌ها رعایت این نکته شد که لغات و اسماء اعلام و نام کتابهائی جمع شود که مطلبی یا نکته‌ای که مستقیماً مربوط به آن لغات و اسماء اعلام و کتابها هست در متن کتاب آمده باشد.

نام كتابها

| | | | |
|-----|-------------------------------|-----|-----------------------------|
| ١٤٨ | ايام العرب | ١ | الآجرومية |
| ٨٩ | تاريخ الهى | ٣ | آداب المتعلمين |
| ٢٧ | تاريخ طبرى | ١٦ | ابطال الباطل |
| ٨٦ | جاودان نامه | ٢٢ | اثبات الوصية (از مروزى) |
| ١٢٥ | رسالة طالقان | ٢٢ | اثبات الوصية (از مسعودى) |
| ١٦ | سلوك الملوك | ٢٣ | اثنا عشرية |
| ٨٨ | شهر ياران گمنام | ٢٥ | احسن الكبار |
| ٨٦ | عرض نامه | | احسن الكبار فى مناقب الائمة |
| ٢٩ | قره نك لغات تركى و منغولى | ٢٥ | الاطهار |
| | لوامع الانوار فى معرفة الائمة | ٢٦ | احمد ا |
| ٢٥ | الاطهار | ٢٧ | اخبار الوزراء |
| ١٠١ | مقدمة قديم شاهنامه | | اخوان الصفا |
| ١٦ | مهمان نامه بخارا | ٤١ | اربعين |
| ٣٦ | نزهة المشتاق فى اختراق الآفاق | | اسرار التوحيد فى مقامات شيخ |
| ٨٦ | نفس | ٦٠ | ابى سعيد |
| ١٠١ | هزار افسان | ٧٠ | اشارات (ترجمة فارسى) |
| | مباحث جغرافياتى | ٨٩ | الاكر |
| ٤-٢ | آذربايجان | ١٠٠ | الف ليلة وليلة |
| ٤ | آارات | ١٠٩ | الامامة والسياسة |
| ٤ | آرمدا [دشت-] | ١١٥ | الامصار |
| ٨ | آمل [الشط-] | ١٢٤ | انساب الاشراف |
| ١٢ | اترار | ١٢٤ | الانطاء |
| ٢١ | اترك [رود-] | | انوار الملكوت فى شرح فص |
| ٢٤ | اجاور (هوجاور) | ١٢٦ | الياقوت |
| ٢٤ | احسا (لحسا) | ١٣٥ | الاوائل |
| | | ١٣٦ | الاوراق صولى |
| | | ١٤٦ | الاهليلجة |

| | | | |
|-----|--------------------------|-----|----------------------------|
| ۱۲۵ | انکران | | ادالیه (مانطالیه رجوع شود) |
| ۱۳۷ | اورال | ۴۰ | اران |
| ۱۳۹ | اورمچی | ۴۲ | اردو بالیخ |
| ۱۳۹ | اوری شلیم | ۴۲ | اردهن [قلعه -] |
| ۱۴۲ | اوزجند | ۴۲ | اردیش [رود -] |
| ۱۴۴ | اولوقا | ۴۳ | ارذیر [جوی -] |
| ۱۴۶ | اهواز | ۴۳ | ارس [قصبه -] |
| ۱۵۲ | ایسی کول | ۴۳ | ارسبار |
| ۱۵۴ | ایلال [قلعه -] | ۴۷ | ارقون [رود -] |
| ۱۶۶ | ایوان کسری | ۴۹ | ارمینیه صغری |
| ۸۹ | بکر | ۵۷ | استندار |
| ۲۱ | شیرین [رود -] | ۶۲ | اسفر نک |
| | صیرم (باسفیجاب رجوع شود) | ۶۲ | اسفیجاب |
| ۱۵۵ | لال [قلعه -] | ۶۲ | اسناش |
| ۱۰۹ | یزد | ۶۳ | اشتقار |
| | | ۷۴ | اشکور |
| | | ۷۵ | اصفهان |
| | | ۸۹ | اکر |
| ۸ | آئینه سکندر | ۹۱ | الاتاق |
| ۷۱ | آبریز | ۹۱ | الاداغ |
| ۱ | آبله افرنک | ۹۱ | الاقماق |
| ۱ | آتش زنه | ۹۱ | الان |
| ۱ | آخواند | ۹۲ | البرز [کوه -] |
| ۵ | آزررن | ۹۳ | التای |
| ۵ | آزق (آذوقه) | ۹۴ | الق طاق |
| ۵ | آس | ۱۰۰ | المالینخ |
| ۶۱ | آس | ۱۰۲ | الموت |
| ۶ | آسب | ۱۰۲ | النجق [قلعه -] |
| ۶ | آستی | ۱۰۷ | الی قاپو |
| ۶ | آقا | ۱۰۹ | امامزاده جعفر یزد |
| ۶ | آقاواینی | ۱۰۹ | امریکا |
| ۷۸ | آق سنقر | ۱۱۴ | اندج رود |
| ۷ | آقچه | ۱۱۹ | اندرخ |
| ۱۱۱ | آمن | ۱۲۰ | انطالیه |
| ۷۸ | آی تغمش | ۱۲۴ | |

لغات

| | | | |
|-----|------------------------------------|----|----------------------------|
| ۶۱ | اسطقس | ۲۲ | اتسز |
| ۶۱ | اسفرم | ۲۲ | اتلیخ |
| ۶۲ | اسفند | ۲۳ | اثیر (= آتش) |
| ۶۳ | اسکندرانی (نوعی پارچه) | ۲۶ | احمد (بمعنی محمود) |
| ۶۳ | اسلیم (بجای اسلام) | ۲۶ | احمد |
| ۶۳ | اسلیمی (نوعی خط) | ۲۷ | اختر |
| ۷۱ | اشتیام | ۳۲ | اخر باخر |
| ۷۵ | Resteuration اصلاح | ۳۵ | اخیاف |
| ۷۶ | اطمه | ۳۶ | ادب |
| ۷۸ | اطلال | ۳۶ | الادیات |
| ۸۰ | اغراق | ۴۰ | ادیب و عالم |
| ۸۳ | اغلامش | ۴۰ | اذواق و مواجد |
| ۸۴ | افراسیاب | ۴۱ | اربز |
| ۸۴ | افزون مایه | ۴۱ | ارتاق |
| ۸۶ | افغان | ۴۲ | اردشیر |
| ۸۶ | افکندن | ۸۰ | ارغش |
| ۸۷ | افلج | ۴۷ | ارکاوون |
| ۸۷ | افیون | ۴۷ | ارکون |
| ۶۱ | اقحوان | ۴۹ | ارک |
| ۸۸ | اقطاع | ۵۲ | ازبک |
| ۸۸ | اقلیمیا | ۵۳ | ازتاور |
| ۸۹ | اکدش | ۶۱ | assassinat |
| ۹۰ | اکنجی | ۵۳ | اسامی مرکبه |
| ۹۱ | الاغ | ۵۳ | اسانید |
| ۹۱ | الاق | ۵۴ | اسب |
| ۹۵ | التمغا | | اسباط |
| ۹۶ | التون | ۵۴ | اسبیدهان |
| ۷۸ | التون تاش | ۶۱ | اسیرغم |
| ۹۸ | الجه | | استار (به استیر رجوع کنید) |
| ۱۱۶ | امیر بحر | ۵۴ | الاسبتاریه |
| | امیر البحر (به امیر بحر نگاه کنید) | ۵۵ | استشراق |
| ۹۹ | انن و کلوران | ۵۷ | استلانت |
| ۱۰۹ | الیجه | ۵۸ | استیر |
| ۱۱۲ | ایمن | ۵۹ | اسر |

| | | | |
|-----|--------------------------|-----|--------------------|
| ۵۵ | تاجر گوشت آدمی | ۱۱۸ | انبار |
| ۷۸ | تمرقاش | ۱۱۸ | انداختن (لازمًا) |
| ۱۴۵ | جامع (= Université) | ۱۲۳ | اندهان |
| ۵۱ | جزایرچی | ۱۲۳ | اندیشه |
| ۶۱ | جوسفرم | ۱۲۳ | انعدام |
| ۶۰ | جمع (بمعنی کتاب و تالیف) | ۱۲۵ | انگشت آرای |
| ۶۱ | جواز سپرم | ۱۲۵ | انموذج |
| ۶۱ | جواسفرم | ۱۳۶ | اوراجه نویسان |
| ۶۱ | جوان سپرم | ۱۳۶ | اوج |
| ۱۵۲ | چشمیزک | ۱۴۰ | اوران |
| ۷۱ | چنک | ۱۴۳ | اولاق |
| ۱۳۰ | حشر | ۱۴۵ | اونیورسیتیه |
| ۶۰ | خانه | ۷۷ | ای ابه |
| ۶۲ | خردل الا بیض | ۷۸ | ای تکین |
| ۱۴۵ | دارالفنون | ۱۴۷ | ایاچی |
| ۱۱۸ | دله | ۱۴۸ | ایچکیان |
| ۷۰ | زنده | ۱۴۹ | ایراخته |
| ۶۲ | سپند | ۱۵۲ | ایزه |
| ۶۰ | سرای | ۱۵۲ | ایشیک آقاسی باشی |
| ۸۲ | سلم (پسر فریدون) | ۱۵۳ | ایضاً |
| ۷۸ | سنقر | ۷۸ | ایل ارسلان |
| ۷۱ | سیبچی | ۸۰ | ایلاق |
| | سیر (به استیر رجوع کنید) | ۷۸ | ایلدگز |
| ۶۱ | شاهسفرم | ۸۰ | اینال |
| ۵۱ | شبی لاتر (جشن) | ۱۶۶ | اینجو |
| ۶۱ | ضمیران | ۹۶ | بارس |
| ۱۱۸ | طرار | ۱۸ | بدرستی که (= ان) |
| ۱۱۸ | عیار | ۷۰ | برشته |
| ۶۱ | غیلة | | برکات |
| ۷۰ | فرسته (= فرستاده) | ۷۸ | بک ابه |
| ۷۸ | قتلخ ابه | ۷۸ | بک تغدی |
| ۷۸ | قراسنقر | ۷۵ | بیرون (= علاوه بر) |
| ۷۸ | کن دغدی | ۸۰ | پارگین |
| ۵۵ | ماء الملام | ۱۵۲ | پاکیزه |

| | | |
|--------------------------------------|-----|---------------------------------|
| ابو سعید اسماعیل بن عبدالقاهر بن | ۷۱ | مد هوش |
| عبدالرحمن بن محمد حسین اسماعیلی | ۱۵۲ | مشکیزه |
| (به اطروش رجوع شود) | ۶۰ | ناخن پیرا |
| ابو سعید محمد بن منصور [اسماعیلی] | ۱۳۰ | ناف هفته |
| ابو سعید اسماعیلی | ۷۸ | یارق تغمش |
| ابوالقاسم اسماعیل بن معدة بن اسماعیل | | |
| بن ابی بکر اسماعیلی | | |
| ابو سعید بکر بن ملک | ۴ | آرش کمانگیر |
| ابوالعباس ایرانشهری | ۷ | آقبوقا |
| ابو عبدالله محمد بن یعقوب فارسی | ۷ | آقچه |
| ابوالحسن سعد بن محمد بن | ۷ | آق سلطان |
| منصور اسماعیلی | ۱۹ | آق سنقر بن عبدالله قسیم الدوله |
| ابومعمر بن ابی سعد بن ابی بکر | ۷ | آق ملک |
| اسماعیلی | ۱۰۹ | آل الیسع |
| ابو منصور بن بایقرا | ۱۶۷ | آل ایوب |
| ابو منصور محمد بن عبدالرزاق | ۹ | ابراهیم بن الادهم |
| ابو منصور محمد بن علی | | ابراهیم میرزا بن بهرام میرزا بن |
| اسماعیلی جوینی | ۹ | شاه اسماعیل صفی |
| ابو نصر محمد بن ابوبکر اسماعیلی | ۹ | ابراهیم بن سندی بن شاهک |
| ابی هلال عسکری | ۱۰ | ابش خاتون |
| اتابک ابوبکر بن سعد | ۱۷ | ابقا |
| اتلیغ | ۲۵ | ابن ابی اصیبه |
| اجاش | ۹۰ | ابن اکفانی |
| احمد جلایر [سلطان-] | ۳۴ | ابن سینا |
| احمد بن حسن میمنندی | ۱۹۹ | ابن قتیبه |
| احمد بن رمیح مروزی | ۱۸ | ابو احمد محمد غزنوی |
| احمد بن سلطان اوئیس جلایر | ۶۶ | ابوبکر اسماعیلی |
| احمد بن منصور بن قراتکین | | ابوبکر احمد بن ابراهیم بن |
| احمد بن واضح | ۶۷ | اسماعیل اسماعیلی |
| ادریسی | ۱۱۲ | ابوجعفر محمد بن علی بن حسین |
| ادکوتیمور | ۱۲۷ | ابوالحسن عمرانی |
| ادهم | ۱۵۲ | ابوحنیفه |
| اربابی کاون | ۸۱ | ابوریحان بیرونی |
| اربخ بوکا | | |

نام اشخاص

| | | | |
|-----|--------------------------|--------|-------------------------------------|
| ۸۳ | اغول غایمش خاتون | ۴۱ | اربوز |
| ۸۴ | افراسیاب | ۴۲ | اردشیر |
| ۸۸ | اکبر پادشاه غازی | ۴۲ | ارذلاق سلطان |
| ۹۲ | الاقانویین | ۴۴ | ارسلان (از سلجوقیان کرمان) |
| ۹۲ | الب خان | ۴۳ | ارسلان (از ملوک خانیه) |
| ۹۲ | الب درک | ۴۴ | ارسلان (از پادشاهان غزنوی) |
| ۹۲ | الباو خان | ۴۴ | ارسلان بالو |
| ۹۳ | البتکین | ۴۵ | ارسلان العجاذب |
| ۹۴ | التمش (شمس الدین) | ۴۵ | ارسلان خان |
| ۹۸ | الخان | ۴۹ | ارکون |
| ۹۸ | الش ایدی | ۴۶ | ارغون [امیر-] |
| ۱۰۰ | الغ نوئین | ۴۶ | ارغو |
| ۱۰۲ | القاس | ۴۶ | ارغاسون |
| ۱۱۵ | امیر امیران | ۴۰ | اروتین طنپوری |
| ۱۱۶ | امیر تیمور گورکان | ۵۱ | اروخان |
| ۱۱۶ | امیرک الطوسی | ۵۰ | ازبک بلی |
| ۸۵ | امیر المؤمنین | ۴۲ | ازبک بای |
| ۱۱۷ | امین الضرب | ۸۱ | ازهری |
| ۱۲۵ | انکیانو | ۲۴ | اسحق موصلی |
| ۱۳۵ | انوشیروان | ۶۴ | اسماعیل اعرج |
| ۱۳۵ | اوتسکین لوبای | ۶۴ | اسماعیل جرجانی |
| ۱۳۸ | اورخان | ۶۵ | اسماعیلیه (خانواده) |
| ۱۳۸ | اورقینه خاتون | ۵۸ | استنکارازین |
| ۱۴۱ | اوزبک خان بن مونککاتیمور | ۸۱، ۶۳ | اسکندر |
| ۱۴۳ | اولاغچی | ۷۲ | اشرف بن تیمور تاش بن چوبان |
| ۱۴۳ | اولاغ خان | ۷۲ | اشعب طماع |
| ۱۴۴ | اولجای خاتون | ۷۳ | اشمری (ابوالحسن) |
| ۱۴۵ | اوهتای | ۶۸ | اطروش |
| ۱۴۲ | ابرج میرزا | ۷۶ | اعتماد السلطنه (محمد حسن خان) |
| ۱۴۶ | ایلمتشم | | اغراق (به سیف الدین اغراق رجوع شود) |
| ۱۵۸ | ایلچی پهلوان | ۸۲ | اغلی حاجب |
| ۱۵۹ | ایلك | ۸۲ | اغلمش |
| ۱۶۰ | ایلکانویان | ۸۳ | اغور او محمد |

| | | |
|-------------------------------------|-----|---|
| صدرالدين محمد بن فخر الملك | ۱۶۴ | ايناغ |
| ۱۳۳ مظفر بن نظام الملك | ۱۶۴ | اينال جوو |
| صدرالدين محمد بن ناصرالدين طاهر | ۱۶۴ | ايناغ خاتون |
| ۱۳۳ بن فخر الملك مظفر بن نظام الملك | ۱۶۶ | ايوانى |
| ۱۹ عزالدين | ۸۵ | ايوب |
| ۱۹ عزالدين مسعود | ۶۶ | بديع الزمان همدانى |
| ۲۵ على بن حسن زوارى | ۱۲۴ | بلاذرى |
| ۱۹ عمادالدين اسماعيل | ۱۶۷ | ترکمان ايوانيه |
| ۱۹ عمادالدين زنگى | ۸۹ | تئوذوسىوس |
| ۷۸ غنچار | ۱۱۵ | جاحظ |
| ۱۴۱ فراه | ۸۵ | جعفر صادق (امام) |
| ۷۸ فسانجس | ۱۴۸ | جمال الدين ايبه |
| ۱۶ فضل الله بن روزبهان | ۷۸ | جيهان |
| ۱۶۴ قتلغ اينانج | ۱۱۲ | حمويه بن على |
| ۱۹ قطب الدين محمد | ۸۱ | دستکاني |
| قطب الدين محمد بن على اشكورى ۷۴ | | دواتدار كبير (به الطبرسى رجوع شود) |
| قطب الدين مودود | ۸۵ | ربيع بن خيشم |
| ۱۳۴ قوام الدين حسن | ۹۸ | ربيعى نحوى |
| ۱۷۷ کاراستى | | رضى الدين ابو مظفر ابراهيم بن |
| ۱۵۱ کساتى | ۱۳۲ | مسعود غزنوى |
| ۱۴۳ کماخى شاه | ۱۱۷ | زين الدين اميره بن شرف شاه حسيني |
| ۷۸ ماما | ۸۵ | سعد بن وقاص |
| ۱۴۳ محمد خوارزمشاه | ۱۵۱ | سيبويه |
| ۷۸ محمد بن عبدوس جهشياري | ۸۰ | سيف الدين اغراق |
| ۷۴ محمد حسن نائينى (حاجى) | ۱۹ | سيف الدين غازى (متوفى ۵۴۴) |
| ۱۹ محمود (ازاقسنقریان) | ۱۹ | سيف الدين غازى (متوفى ۱۸۶) |
| ۱۹ مسعود (ازاقسنقریان) | ۱۹ | شاهنشاه (ازاقسنقریان) |
| ۱۹ معزالدين سنجرشاه | ۱۹ | شاه عباس صفوى |
| ۱۹ معزالدين محمود | ۸۵ | شهاب الدين محمد |
| ۱۴۶ مفضل بن عمر | ۱۳۴ | صاحب سنچار (به عمادالدين زنگى رجوع شود) |
| ۷۸ منده | | صدرالدين محمد |
| ۱۱۲ منصور بن بايقرا | | |
| ۱۱۲ منصور بن قراتكين | ۱۳۴ | |

املاہ کلمات

| | |
|-----|-----------------------|
| ۱ | آ بسکون (عابسکون) |
| ۲۲ | الاثناعشر والاثني عشر |
| ۲۲ | اثنا عشرية [شيعه] |
| ۴۰ | اذواق ومواجد |
| ۱۲۵ | انموذج |

موسیقی و آداب و عادات

| | |
|-----|------------------------|
| ۵۵ | استخاره |
| | اسرائیلیات |
| ۱۳۶ | اوتوموبیل در چین قدیم |
| ۱۵۲ | ایشیک آقاسی باشی |
| ۸۵۱ | مز و بیج در ایران قدیم |
| ۵۱ | شبی لانترا (جشن) |

ملل و نحل

| | |
|---------|------------------------------------|
| ۳۳ | اخوان الصفا |
| ۱۴۵، ۶۹ | اسماعیلیه |
| ۷۴ | اصحاب الاجماع |
| | اهل القلاع (به اسماعیلیه رجوع شود) |
| ۱۳۴ | مذهب ابوحنیفه |
| | یهود (عده آنان) |

نجوم و ریاضیات

| | |
|---------|-----------------------------------|
| ۱۴۲، ۴۱ | اختلاج اعضا |
| ۶۱ | اسطرلاب |
| | اوزقنوغ (به اختلاج اعضا رجوع شود) |
| ۱۰۷ | تاریخ الهی |
| ۱۳۲ | حکم خرابی عالم بوسیله انوری |

درباره شاعران

| | |
|-----|---------------|
| ۶ | آغجی |
| ۱۳۲ | ابوالفرج رونی |
| ۲۶ | احمد بن واضح |

| | |
|----------|------------------------------------|
| ۱۹ | مودود |
| ۱۹ | ناصرالدین محمود |
| ۱۳۱ | نصیرالدین محمود بن ابی نوبه |
| ۱۰ (۶۰۷) | نورالدین ارسلان شاه (متوفی ۶۰۷) |
| ۱۹ (۶۱۵) | نورالدین ارسلان شاه (متوفی ۶۱۵) |
| ۱۹ | نورالدین محمود |
| ۲۴۳ | هرمز شاه (از خوارزمشاهیان) |
| ۲۷ | یاقوت |
| ۱۱۵ | یزدانیار ابو بکر حسین بن علی ارموی |

اصطلاحات و امثال و حکم

| | |
|-----|---------------------------------|
| ۲۱ | الاتقیاء البررة والاقویا الفجرة |
| ۱۴ | احسن الشعر ا کذبه |
| ۲۶ | احلی من وصال العجیب |
| ۵۸ | اسد علی و فی الحروب تعامة |
| ۷۷ | اعجبني قلب |
| ۷۷ | اعجمی فالعجب به ماشئت |
| ۷۹ | اهور بن عمیان |
| ۸۸ | اقضا کم علی |
| ۹۲ | الاما شاء الله |
| ۹۵ | التقى طرفاها |
| ۱۰۷ | الله بس وما سواه هوس |
| ۱۱۲ | امثال آقای دهخدا |
| ۱۱۴ | امسیت کردیاً واصبحت عربیاً |
| ۱۱۳ | ان الدنيا قد غرتنا ... |
| ۱۶۳ | الایناس قبل الابساس |
| ۱۶۴ | این است و جز این نیست |
| ۱۳۱ | القلامه قد قدت من الظفر |

لهجه های زبان فارسی

| | |
|----|-------------------------|
| ۳ | لهجه قدیم درده هرزند |
| ۳۲ | «آخر باخر» در لهجه ترکی |

| | | | |
|------|-----------------------------|----------|-----------------|
| | علوم ادبی | | اخیطل اهوازی |
| | | ۳۵ | ازرقی |
| | | ۵۳ | اسدی |
| ۷۵ | اصطلاحات قشنگ فارسی | ۵۸ | اشعری |
| ۸۱ | اغلاط مشهوره | ۷۳ | اعشی قیس |
| ۸۴ | افسانه‌ها | ۷۸ | افضل‌الدین کاشی |
| ۱۰۰ | الفات آخر کلمات عربی | ۸۶ | اقبال شرابی |
| ۱۴۱ | اوزان غریبه | ۸۷ | الف ابدال |
| ۱۶۸ | ایهام | ۸ | انوری |
| ۷۳۱۱ | شعربی وزن و قافیه | ۲۳۱، ۱۲۶ | سیف‌اسفرنگ |
| ۱۱۱ | کلیه قوافی اشعار | ۶۲ | قطران |
| | مباحثی از دستور زبان | ۱۰۱ | میزی |
| | | ۱۲۶ | |

مطالب تاریخی

| | | | |
|-----|-----------------------------|--------|--------------------------------------|
| ۲۰ | اتحاد آخر | | آل ایوب |
| ۵۶ | استفهام | ۶۸ | اتابکان آذربایجان |
| ۵۸ | استعمال جامد بمنزله صفت | ۱۸ | اتابکان موصل |
| ۷۰ | اسم مفعول در افعال فارسی | ۸۷، ۱۸ | ارمینیه صغری |
| ۷۰ | اسم مفعولهای منسیه الایعمال | ۴۹ | اسبیدهان [جنک-] |
| ۷۶ | اضافه اسم پسر با اسم پدر | ۵۴ | اغلاط تاریخی |
| ۷۶ | اضافه اسم فرد با اسم قبیله | ۸۱ | افسانه‌های تاریخی |
| ۷۶ | اطلاق اسم پدر بر پسر | ۸۵ | اقسقریان (نگاه کنید به اتابکان موصل) |
| | حذف «ال» در طی عبارت فارسی | ۹۰ | التون خانیان (سلسله Kin) |
| ۱۹۲ | «الف و لام» | ۹۷ | امرای سامانیان |
| ۱۱۱ | اماله الف | ۱۱۲ | امیر خراسان (لقب ملوک سامانیه) |
| ۱۱۱ | «امپرسونل» | ۱۱۶ | اندوخ [جنک-] |
| ۱۱۳ | امر حاضر از فعل مجهول | ۱۲۰ | ایلکابویان |
| ۱۱۷ | «ان» (علامت نبوت) | ۱۶۰ | تخریب بیت المقدس |
| ۱۴۶ | «ای» در آخر کلمه | ۱۱ | |

نسخه بدلهای تاریخ جهانگشا

| | | | |
|-----|-------------------|----|--------------|
| ۷۳ | اشکور | ۷ | آقبوقا |
| ۷۷ | اعجمیان | ۷ | آقچه |
| ۷۹ | اغاجی | ۷ | آق سلطان |
| ۸۰ | اغراق (سیف الدین) | ۹ | اباچی |
| ۸۱ | اغش وهادان | ۱۷ | ابقا |
| ۸۲ | اغل حاجب | ۲۲ | اتلیغ |
| ۸۲ | اغلمش | ۲۳ | اجاش |
| ۸۳ | اغول غایمش خاتون | ۴۲ | اجاور |
| ۸۹ | اکربکر | ۳۹ | اد کوتیمور |
| ۹۱ | الاتاق | ۴۰ | ار بای کاون |
| ۹۱ | الاقماق | ۴۱ | اربوز |
| ۹۲ | الاق نوین | ۴۱ | ارتاق |
| ۹۲ | الان | ۴۲ | اردو بالینغ |
| ۹۲ | البارخان | ۴۲ | اردیش |
| ۹۲ | البخان | ۴۲ | ارزلاق سلطان |
| ۹۲ | البدرک | ۴۳ | ارزیر |
| ۹۴ | التای | ۴۵ | ارسلان خان |
| ۹۵ | التمغا | ۴۶ | ارغون |
| ۹۷ | التون خان | ۴۶ | ارغاسون |
| ۹۸ | النخان | ۴۶ | ارغو |
| ۹۸ | الش ایدی | ۴۷ | ارقون |
| ۹۹ | النخ ایف | ۴۹ | ارکون |
| ۱۰۰ | النخ طاق | ۵۱ | اروخان |
| ۱۰۰ | النخ نوین | ۵۲ | اربنغ بوکا |
| ۱۶۷ | اله نشین | ۵۲ | ازبک بای |
| ۱۱۵ | امیر امیران | ۵۳ | ازناور |
| ۱۱۸ | انجوودله | ۶۳ | اشتقار |
| ۱۱۹ | اندج رود | ۷۰ | اسناش |

| | | | |
|-----|-----------------|-----|----------------|
| ۱۴۸ | ایبه جمال الدین | ۱۲۶ | انن و کلوران |
| ۱۴۸ | ایچکیان | ۱۳۵ | اوتکین توتاق |
| ۱۴۹ | ایدی قوت | ۱۳۷ | اورانیان |
| ۱۴۹ | ایراخته | ۱۳۸ | اورخان |
| ۱۵۳ | ایقاق | ۱۳۸ | اورقینه خاتون |
| ۱۵۴ | ایللال | ۱۴۰ | اوران |
| ۱۵۸ | ایلچتای پهلوان | ۱۳۸ | اوز بک خات |
| ۱۵۸ | ایلچیکتای | ۱۴۲ | اوز جند |
| ۱۵۹ | ایلدز نوین | ۱۴۳ | اولاغچی |
| ۱۶۱ | ایلکانوین | ۱۴۳ | اولاغ خان |
| ۱۶۱ | ایلنکو | ۱۴۳ | اولوق |
| ۱۶۲ | ایمیل | ۱۴۴ | اونان و کلوران |
| ۱۶۴ | اینال جوق | ۱۴۵ | اوهتای |
| | | | اویرات |

ذیل در باره اسماعیلیه

در صفحه ۶۵-۶۵ همین جلد، یادداشت‌های مرحوم قزوینی راجع به خاندان اسماعیلی جرجان بطبع رسید و وعده داده شد که استخراجات از «تاریخ جرجان» جهت تنمیم قایده درج شود. اینک آن فواید:

- ۱- ابراهیم بن اسماعیل بن العباس والد ابی بکر الاسماعیلی ۱۰۴، ۱۰۷.
- ۲- ابوبکر احمد بن ابراهیم بن اسماعیل بن العباس الاسماعیلی ۶۹ (وموارد دیگر).
- ۳- ابوسعید اسماعیل بن ابراهیم بن احمد بن ابراهیم الاسماعیلی ص ۱۰۶ (وموارد دیگر).
- ۴- اسماعیل بن العباس جد ابی بکر الاسماعیلی ۱۰۴ (موارد دیگر).
- ۵- ابوالعلاء السری بن اسماعیل بن احمد بن ابراهیم الاسماعیلی (ص ۱۸۵).
- ۶- ابوسعید سعید بن اسماعیل بن احمد بن ابراهیم الاسماعیلی ص ۱۸۵.
- ۷- ابو عبیدالله ختن ابی بکر الاسماعیلی.
- ۸- ابو عمرو عبدالرحمن بن محمد بن الحسن سبط ابی بکر الاسماعیلی ص ۲۲۰.
- ۹- ابوالحسن عبدالواسع بن محمد بن الحسن سبط ابی بکر الاسماعیلی ص ۲۲۰.
- ۱۰- ابوبشر الفضل بن عبیدالله بن الحسن سبط ابی بکر الاسماعیلی ص ۲۹۲.
- ۱۱- ابوالفضل مسعدة بن اسماعیل بن احمد الاسماعیلی ص ۴۲۱.
- ۱۲- ابوالحسن مبشر بن اسماعیل بن احمد الاسماعیلی ۴۲۲.
- ۱۳- ابونصیر محمد بن احمد بن ابراهیم بن اسماعیل الاسماعیلی ۴۰۹.
- ۱۴- ابوالعمر المفضل بن اسماعیل بن احمد الاسماعیلی ۴۲۱.